

اهرم‌های دانمارک در رویارویی با ترامپ



دونالد ترامپ در اولین دوره ریاست جمهوری خود، گاهی ایده خرید گرینلند را مطرح می‌کرد. در آن زمان، عده کمی حرف‌های او را جدی گرفتند اما حالا تراسپ با تهدید دانمارک، این حرف را تکرار می‌کند و دیگر هیچ‌کس به او نمی‌خندد. دانمارک به عنوان یکی از کشورهای اسکاندیناوی، با چشم‌انداز تهدید از جانب یک متحد نزدیک مواجه است و احتمال دارد، امریکا قلمرو دانمارک را به زور تصرف کند. اما کپنهاک به رغم ارتش و نیروی دریایی کوچک، در زمینه اقتصادی هیچ کمبودی ندارد و می‌تواند با تکیه بر این نیرو، با رئیس‌جمهور ایالات متحده مذاکره کند، یا در صورت لزوم به امریکا فشار وارد کند. واقعیت این است که چندین شرکت چندملیتی دانمارکی وجود دارند که بدون محصولات و خدمات آنها، امریکایی‌ها به سرعت آشوب خواهند دید.

چندی پیش فایننشال تایمز، جزئیات تماس ۱۵ روزه بین ترامپ و مت‌فردریکسن، نخست‌وزیر دانمارک را فاش کرد. در این مکالمه آتشین که ۴۵ دقیقه به طول انجامید، ترامپ که هنوز مراسم تحلیف را بر گزار نکرده بود، پر خاشاکانه و با رویکردی دشمنانه، به رویکرد فردریکسن در خودداری از فروش جزیره گرینلند در قطب شمال واکتش نشان داد.

■ **محاصره حمل‌ونقل در یایی**

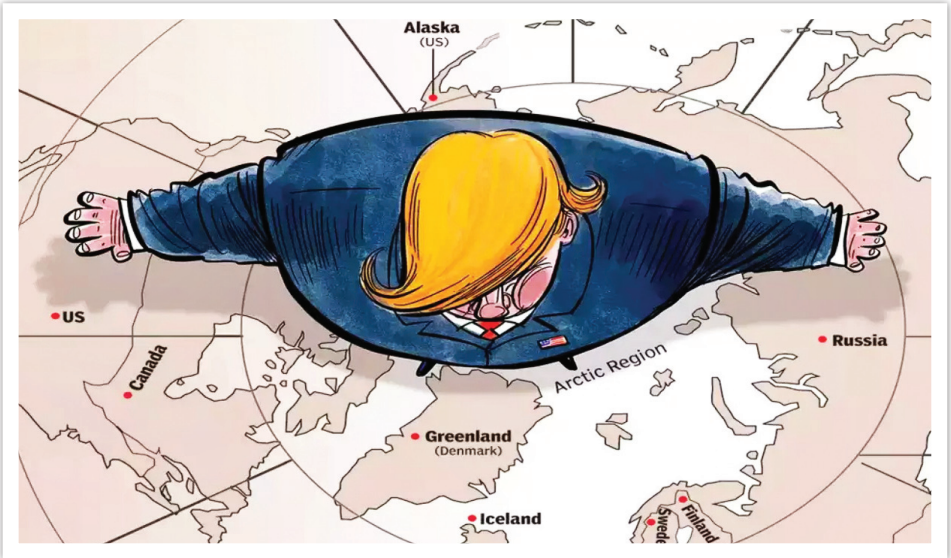
دانمارک یکی از اعضای متعهد و محبوب سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است اما اینتها، واقعیت موجود مبنی بر اینکه که کشوری کوچک با جمعیتی کمتر از ۶ میلیون

نفر و نیروهای مسلح با حدود ۲۰ هزار پرسنل فعال است را تغییر نخواهد داد. اگر ترامپ برای تصاحب گرینلد جدی باشد، دانمارک حتی اگر بخواهد هم نمی‌تواند وارد یک جنگ تمام عیار، علیه متحد خود در ناتو شود. ولو اینکه ناوگان کوچک و یخ‌شکن‌های قدیمی واشینگتن هر گونه عملیات دریایی در شمال قطبی را سه یک چالش تبدیل خواهد کرد. اما دانمارک، ناتوان نیست. برعکس، چندین برگ‌برنده در آستین خود دارد. برای شروع، این کشور اسکاندیناوی میزبان مرسک (Maersk)، دومین شرکت بزرگ حمل و نقل کانتینری جهان از نظر ظرفیت بار است. بیشتر محموله‌های غیر مایع جهان در کانتینرهای این شرکت حمل می‌شود، به طوری که در سال ۲۰۲۳، خط کشتیرانی دانمارک حدود ۲۴ میلیون از آنها را با ۶۷۲ کشتی خود جابه‌جا کرد. مرسک آنقدر بزرگ است که کشتی‌های این شرکت حدود ۳/۱۴ درصد از ناوگان کشتی‌های کانتینری جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. در ایالات متحده، مرسک کالاهارا در مقاصد بالتیمور، چارلستون، هیوستون، جکسونویل، لانگ بیج، لس‌آنجلس، میامی، نیویورلئان، نیویورک، نیوارک، نورفولک، چارلستون شمالی، اوکلند، فیالادلفیا، پورت اورگلیز، واینیمی، ساوانا، سیاتل، تاکوما، تامپا و ویلمینگتون حمل‌ونقل می‌کند.

برای مثال، اورژانویه، شرکت کانتینری MSC Tomoko تحت پرچم پاناما وارد هیوستون دیگران، همچنان اوزمیک واقعی هنوز شد، سپس به نیویورلئان و از آنجا به فری پورت در باهاما سفر کرد. روز بعد، کشتی MSC Ensenada کشتیرانی مرکزیک به هیوستون رسید و از آنجا با محموله به مقصد کلمبیا و برزیل سفر کرد. طبق وبگاه مرسک، جایی که هر کسی می‌تواند ارتباطات کشتی‌های این شرکت را ردیابی کند. در حال حاضر، خطوط حمل‌ونقل مرسک با ظرفیت کامل یا نزدیک به ظرفیت کامل در حال فعالیت هستند. اگر هر خط کشتیرانی به طور ناگهانی حمل‌ونقل به ایالات متحده یا از ایالات متحده را متوقف کند، سایر متصدیان حمل‌ونقل فقط می‌توانند سهم کمی از این شفاف را بر کنند. اگر دولت دانمارک، ترده مرسک به بنادر ایالات متحده را ممنوع کند، کسبوکارها و مصرف‌کنندگان امریکایی به سرعت آسیب می‌بیند.

■ **نبض دارویی و بهداشتی در دست کپنهاگ**

اگر فردریکسن، مانع از صادرات محصولات شرکت مراقبت‌های بهداشتی نوونوردیسک (Novo Nordisk) به ایالات متحده شود، این کمبود برای میلیون‌ها امریکایی محسوس خواهد بود. غول داروسازی دانمارکی، سازنده سماگلو تاید، ماده فعال اوزمیک، و گویو در داروهای کاهش وزن است که انقلابی در درمان ضد چاقی و دیابت در ایالات متحده ایجاد کرده‌اند. این شرکت، سماگلو تاید را در دانمارک تولید می‌کند و به رغم تلاش‌های زیادی کپی‌کنندگان و دیگران، همچنان اوزمیک واقعی هنوز



میزان واردات این کشور از چین در سال گذشته میلادی بالغ بر ۶۰ میلیارد دلار بوده و این در حالی است که صادرات این کشور به چین در بهترین حالت به ۳۰ میلیارد دلار نمی‌رسد.

این روابط در سال‌های اخیر در حال گسترش بوده است. به طوری که در حال حاضر کانادایی‌های معتقدند، پس از انگلیسی و فرانسوی، چینی سومین زبان رایج این کشور است و چینی‌هایی که بزرگ‌ترین گروه‌های جمعیتی مهاجر در کانادا محسوب می‌شوند.

چین در حال سرمایه‌گذاری بر حوزه زیر ساختی کاناداست و در حال توسعه روابط در رابطه با خودروهای برقی، سرمایه‌گذاری در حوزه معادن کمیاب مثل لیتیوم، انرژی، املاک و مستقالات، تکنولوژی‌های پیشرفته، تلفن همراه، ماشین‌های پر دازش خود کار، وسایل نقلیه مسافری و... است. علاوه بر آن، روانه شدن حجم عظیم کالاهای چینی به قاره امریکا موجب توسعه بیکاری و ناتوانی رقابت تولیدات داخلی با کالاهای چینی حتی در ایالات متحده شده

د

کاخ سفید، متحد نزدیک خود را به جنگ تجاری یا اقدامی بدتر از آن تهدید کرده است اما کپنهاگ هم اهرم‌هایی جدی در اختیار دارد که می‌تواند به سرعت به اقتصاد ایالات متحده لطمه وارد کند

امروزه مجموعه‌های لگو در مرکزیک (و دانمارک، مجارستان، جمهوری چک و چین) ساخته می‌شوند. شرکت اسباب‌بازی دانمارکی در حال ساخت کارخانهای در رویجینیاست که برای بازار ایالات متحده اسباب‌بازی تولید کند. پیش‌بینی می‌شود، بیش از هزارو ۷۰۰ نفر در آن مشغول به کار شوند. تأسیسات لگو در ایالات متحده، در واقع نوعی دوستی با دوستی بسیار مهربان است که ترامپ خواستار آن بوده است. او در مجمع جهانی اقتصاد در داووس به رهبران جهانی گفت: «محصول خود را در امریکا بسازید و ما به شما کمترین مالیات‌های هر کشور روی زمین را اختصاص خواهیم داد.» اما او نمی‌تواند روی آن حساب کند، سرمایه‌گذاری دانمارکی اگر با دوستان مانند دشمنان رفتار شود.

محاصره اقتصادی دانمارک، گامی در امانتیک است که فردریکسن از انجام آن انکاره خواهد داشت. اما او باید به زبانی با ترامپ صحبت حاوی سماگلو تاید تا دسامبر ۲۰۲۳ به ۱/۲ عمیلیون برسد. در می ۲۰۲۳، نظرسنجی که Barclays Research انجام داد، تخمین زد، بیش از نیم‌میلیون امریکایی از گویو استفاده می‌کردند. مانند مرسک، نوو نوردیسک نیز مبالغ هنگفتی در امریکا به دست می‌آورد. سهام این شرکت چندی پیش به دلیل اخبار مربوط به آزمایشات مثبت داروی جدید چاقی آمیکرتین، بیش از ۱۷ درصد افزایش یافت. تقاضا برای اوزمیک به حدی است که نوونوردیسک، ۱/۴ میلیارد دلار در تأسیساتی در کارولینای شمالی سرمایه‌گذاری کرده که عنصر اصلی دارو را تشکیل می‌دهد. اما اگر دولت دانمارک به این نتیجه برسد که تهدیدات ترامپ امنیت کشور را به خطر می‌اندازد، می‌تواند به نوو نوردیسک دستور دهد تجارت در ایالات متحده را متوقف کند. بسیاری از امریکایی‌ها بلافاصله متوجه غیبت شرکت می‌شوند.

■ **میلمان و اسباب‌بازی‌های دانمارکی**
اگر دانمارک تصمیم به پاسخگویی بگیرد، احتمال دارد که مصرف‌کنندگان امریکایی ناگهان متوجه فقدان میلمان لوکس دانمارکی شوند و فرزندان شان هم برای آن دست دادن

زدیدترین لگوها (LEGO) غصه‌دار شوند.

■ **فاران پالیسی**
الیزابت بر او حضورا شد شورای آتلانتیک

چشم‌انداز

جاه‌طلبی‌های دوحه در دمشق

■ **سجاد مرادی کلارده**

قطر در یک دهه اخیر سعی کرده به بازیگر مهم غرب آسیا تبدیل شود. این کشور به واسطه ابزارهای قدرتی همچون منابع غنی نفتی، اتحاد استراتژیک با آمریکا و قدرت رسانه‌ای، سعی در دستیابی به اهداف خود دارد. قطر به ویژه در بحران‌های منطقه‌ای از سال ۲۰۱۱ سعی کرده خود را به عنوان یک کنشگر اصلی نشان دهد. امیر قطر، شیخ تمیم آل ثانی نخستین رهبر خارجی است که از زمان سقوط حکومت بشار اسد به سوریه سفر کرده و به نظر می‌رسد، دوحه منافع راهبردی را در سوریه دنبال می‌کند.

قطر، حامی ثابت معارضان سوری
قطر از دهه ۱۹۸۰ که درگیری‌های سوری حکومت و مخالفان در سوریه اوج گرفت، به مدت چند دهه محل تجمع مخالفان دولت بود. از آغاز بحران سوریه، قطر در ابتدا با مشارکت با دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از جمله عربستان سعودی، کویت و ترکیه از مخالفان سوری حمایت کرد و اولین کشوری بود که سفارت خود را در دمشق بست و با اتخاذ موضعی قوی علیه دولت سوریه، نقش مهمی در قطع روابط اتحادیه عرب با دمشق ایفا کرد. قطر و عربستان سعودی موضوع سوریه را به صحن مجمع عمومی سازمان ملل بردند، استفاده از خشونت از سوی رژیم اسد را محکوم کردند و از سازمان ملل خواستند، از ابتکارات عربی با هدف حل بحران سوریه حمایت کند.

امیر قطر در اوایل سال ۲۰۱۲، حتی از دخالت مستقیم نظامیان عرب برای سرنگونی رژیم سوریه حمایت کرد. در تقسیم کار بین کشورهای خلیج فارس، قطر از حمایت مالی و سیاسی برای تقویت معارضان حمایت کرد. با این حال، از سال ۲۰۱۳، اختلافات بین ریاض و دوحه به طور فزاینده‌ای آشکار شد و دو کشور شروع به حمایت از گروه‌هایی کردند که در صحنه درگیری داشتند. این وضعیت با به هم زدن سیاست‌های دو اردوگانه در سوریه، تأثیر و اثر بخشی کشورهای حاشیه خلیج فارس در بحران را به طور جدی کاهش داد و به تخریب مخالفان در سوریه سرعت بخشید. به رغم این، سه کشور عربستان سعودی، ترکیه و قطر اگرچه از جناح‌های مختلف اپوزیسیون داخلی سوریه حمایت می‌کردند اما در عین حال زمینه را برای گروه‌های مخالف برای کنار گذاشتن زخم‌ها و تلاش برای اتحاد نیز ادامه دادند. برخی معتقدند، در سال ۲۰۱۷ که رویکرد عربستان



آمدگی آنکارا برای احیای طرح مذکور، اعلام کرد چنانچه تمامیات ارضی سوریه به ثبات برسد، این خط لوله می‌تواند مجدداً بازبینی شود.

■ **دوحه، پل ارتباطی امریکا و سوریه**

علاوه بر ایر پروژه فوق که منافع میدانی عمده‌ای را در اختیار دوحه قرار می‌دهد، این کشور در عرصه دیپلماسی نیز کوشیده به پلی حیاتی بین هیئت تحریرالشام و دولت جدید امریکابه ریاست ترامپ تبدیل شود. این در واقع همان نقشی است که قطر در مذاکرات افغانستان بیسن طالبان و غرب ایفا کرد. در شرایطی که واشینگتن هنوز تحریرالشام را از فهرست تروریستی خود حذف نکرده است و همچنین توان میدانی آن نیز برای تعاملات آینده با رهبران جدید دمشق محدود است، نقش میانجی و اتصال دهنده دوحه مطلوب منافع ایالات متحده در سوریه خواهد بود. با این حال با توجه به اینکه دوحه به دنبال ایفای نقش در توسعه و بازسازی سوریه است، وجود هیئت تحریرالشام در فهرست تروریستی واشینگتن می‌تواند در آینده مسائل مختلفی را ایجاد کند. قطر همچنین تمایل زیادی دارد تا ذهنیت دولت ترامپ را نسبت به نقش محوری خود در منطقه و آندنه سوریه تحت تأثیر قرار دهد. قطر درصدد است تا این پیام را منتقل کند که از نقش‌های قبلی در سوریه به عنوان کشور حامی افراط‌گرایی، به حامی مردم سوریه تبدیل شده و خود را متعهد به احترام به خواست مردم می‌داند. این موضع سیاست خارجی قطر یک موقعیت انعطاف‌پذیر را به ویژه در چشم‌انداز سوریه در اختیار دوحه قرار می‌دهد و آن را از تیغ انتقادات غربی‌ها در آینده مصون نگه می‌دارد. واقعیت ماجرا این است که قطر به وضعیت پیچیده کنونی در سوریه به عنوان یک فرصت منحصر به فرد نگاه می‌کند. در این راستا اگر موضع سیاست خارجی دوحه و جلوداری امیر قطر در سفر به سوریه را در کنار نقش راهبردی ترکیه در سوریه قرار دهیم، نقش قابل توجه سوریه در تحولات ژئوپلیتیکی آینده منطقه، بهتر خود را نشان می‌دهد.

د

حاکم شدن شرایط باثبات در سوریه می‌تواند طرح اتصال میدان بین گاز طبیعی قطر به اتحادیه اروپا را احیا کند، طرحی که نخستین مرتبه در سال ۲۰۰۹ میلادی مطرح شد ولی با مخالفت دولت سابق سوریه روبه‌رو شد